

مروری بر دلایل اهمیت آغاز فوری گفت‌وگوهای ایران و E۳

به قید فوریت



از ماجرای خروج ۱۳ سفیر اروپایی از ایران در بهار ۱۳۷۶ که در پی برگزاری دادگاه میکونوس صورت گرفت، تا امروز که این اتحادیه، ایران را به سبب ادعای فروش تسلیحات نظامی به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین، «تهدید مستقیم اروپا» می‌نامد، روابط ایران و قاره سبز و به‌ویژه سه کشور مهم انگلیس، فرانسه و آلمان که با نام E۳ در سیاست خارجی تهران نقش‌آفرینی می‌کنند، فرازونشیب زیادی را به خود دیده است. با این حال اما به جرأت می‌توان گفت تنش‌هایی که این روزها روابط ایران و تروئیکای اروپایی را تحت تاثیر قرار داده ابعاد به مراتب خطرناک‌تری را از موارد مشابه در برمی‌گیرد؛ تا جایی که می‌تواند بار دیگر ایران را به موضوع شورای امنیت سازمان ملل ذیل فصل هفتم آن بدل کند.

ایران در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ و پس از توافق برجام، در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱، از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد که تهران را «تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی» معرفی می‌کرد، خارج شد چراکه این آخرین قطعنامه با موضوع ایران، شش قطعنامه پیشین از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ را به‌عنوان خطرناک‌ترین آن‌ها ملغی کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، پس از خروج از توافق هسته‌ای تلاش کرد تا با مطرح کردن مجدد موضوع ایران در شورای امنیت، از سازوکار مندرج در برجام برای بازگرداندن قطعنامه‌ها استفاده کند اما هیچ‌یک از

اعضای باقیمانده در توافق از این خواست واشنگتن تبعیت نکردند. براساس توافق هسته‌ای در اکتبر سال ۲۰۱۵ اما قطعنامه ۲۲۳۱ پس از ۱۰ سال یعنی در سال ۲۰۱۵ منقضی شده و ایران به‌طور کامل از دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود اما امروز و در آستانه اکتبر ۲۰۲۴، سه کشور اروپایی به پشتوانه تنش روزافزون در روابط با ایران، سایه اسنپ‌بک را بیش از گذشته بر روی تهران نگاه داشته‌اند تا هر زمان اراده کنند، با انتقال پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، زمان را به عقب بازگردانند.

از نگاه تروئیکای اروپایی

در میانه مذاکرات ایران و ۴+۱ و مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده در دولت سیزدهم بود که مسکو به بهانه تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و نزدیکی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به مرزهای روسیه، تهاجم نظامی علیه کی‌یف را آغاز کرد. تحول جدید اما در ایران به درستی مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفت تا جایی که رئیس‌جمهور وقت در تماس با ولادیمیر پوتین، ضمن ابراز امیدواری مبنی بر اینکه آنچه اتفاق می‌افتد، به نفع ملت‌ها و منطقه تمام شود، گفت: «گسترش ناتو تهدیدی جدی علیه ثبات و امنیت کشورهای مستقل در مناطق مختلف است». روسیه اما پاسخ این حمایت تهران را با سنگ‌اندازی در مسیر مذاکرات پاسخ داد تا روند احیای برجام از ریل اصلی خود خارج شود.

کی‌یف نیز که از همان ماه‌های نخست آغاز جنگ مدعی همراهی تسلیحاتی ایران با روسیه بود، در اواسط سپتامبر ۲۰۲۲ تصاویری را در حساب توئیتر وزارت دفاع خود همراه با پرچم ایران و روسیه منتشر کرد که نشان می‌داد قطعات پهپاد ایرانی شاهد ۱۳۶ را در منطقه خارکیف کشف کرده است. در متن نوشته شده بود: «اتحاد کامل دو مستبد». پس از آن ولودیمیر زلنسکی در پیامی مدعی شد که بخشی از پهپادهای مهاجم در جنگ اوکراین، پهپادهای شاهد ۱۳۶ ساخت ایران هستند.

تهران در واکنش به این خبر، پس از انکار دو ماهه، سرانجام واقعیت حضور پهپادها را پذیرفت اما اعلام کرد که این تسلیحات «ماه‌ها قبل و پیش از جنگ اوکراین» در اختیار روسیه قرار گرفته است. رسانه‌های غربی از همان زمان، موضوع اراده ایران برای فروش موشک‌های بالستیک را نیز مطرح کردند که در نهایت ۶ سپتامبر، وال‌استریت ژورنال به نقل از مقامات اروپایی و آمریکایی مدعی شد که «ایران موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد را به روسیه ارسال کرده است».

این بار نیز در همان ابتدا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در نیویورک به این موضوع واکنش نشان داد و اعلام کرد که «موضع ایران در قبال منازعه اوکراین تغییر نکرده و ارسال کمک نظامی به طرفین که به گسترش خسارات انسانی و فاصله گرفتن از گفت‌وگوهای آتش‌بس منجر می‌شود را غیرانسانی می‌داند».

ابعاد تنش در روابط ایران و غرب تا جایی پیش رفته است که در آوریل ۲۰۲۴، ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو گفت که رژیم‌های خودکامه مانند روسیه، چین، ایران و کره‌شمالی به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند تا «محور شرارت» را علیه دموکراسی‌های غربی تشکیل دهند. او همچنین در جای دیگری، این ۴ کشور را «محور خودکامگان» نامیده بود.

دبیرکل ناتو، در افتتاحیه نشست سران این پیمان نظامی در آمریکا نیز گفت پیروزی روسیه، شاید ایران، چین و کره‌شمالی را جسورتر کند. استولتنبرگ همچنین بار دیگر ایران، چین و کره‌شمالی را به حمایت از روسیه متهم کرد و گفت: «همه آنها می‌خواهند ناتو شکست بخورد». در بیانیه پایانی نشست سران ناتو در واشنگتن نیز از آنچه که حمایت نظامی ایران از روسیه در حمله به اوکراین توصیف شده، به شدت انتقاد شده است.

در این بیانیه آمده است که از همه کشورها می‌خواهیم از کمک به روسیه در جنگ اوکراین، به هر شکل ممکن خودداری کنند. هر کسی که کمک به روسیه را تسهیل می‌کند محکوم می‌کنیم. این کشورها، جنگ روسیه در اوکراین را

طولانی‌تر می‌کنند. این بیانیه به کشورهای بلاروس، ایران، کره شمالی و چین به‌عنوان کشورهای کمک‌کننده نظامی به روسیه اشاره کرده است.

مشکل روسی مذاکره با اروپا



حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و پژوهشگر غیرمقیم در شورای خاورمیانه در امور جهانی در خصوص موانع آغاز گفت‌وگو میان ایران و E۳ به‌رغم اینکه علاوه بر ایران، سه کشور اروپایی عضو برجام نیز باید بر اهمیت زمان، با توجه به تاریخ مهم اکتبر ۲۰۲۵ واقف باشند، چیست، به هم‌میهن گفت: مسئله اصلی این عمق بی‌اعتمادی و بدبینی است که طی سال‌های اخیر در طرف اروپایی نسبت به ایران و نقش ایران شکل گرفته است و این تحت تاثیر چند عامل است که از جنگ اوکراین می‌توان به عنوان مهمترین مورد آن نام برد چراکه از ایران به‌طور فزاینده‌ای به عنوان طرف جنگ و نه به عنوان یک بازیگر بی‌طرف در میدان جنگ یاد می‌شود.

با وجود صحبت‌هایی که در دولت جدید در ایران مبنی بر عدم ارسال موشک بالستیک به روسیه مطرح می‌شود و آماده است در خصوص نگرانی‌های امنیتی اروپا گفت‌وگو کند اما نباید فراموش کرد که اروپا و خود اوکراین تجربه ناخوشایند چنین گفت‌وگوهایی را با ایران دارند؛ گفت‌وگوهایی که با ادعای عدم ارسال هرگونه پهپادی از سوی ایران برای استفاده در جنگ آغاز شد و در نهایت به اینجا رسید که شواهد میدانی ثابت کرد این پهپادها منتقل شده است و ایران به تامین‌کننده تسلیحات برای روسیه تبدیل شده است.

با در نظر داشتن آن موضوع طبیعتاً حالا که ایران بر روی عدم انتقال موشک‌ها تاکید دارد، باز هم با توجه به همکاری‌های نظامی تهران و مسکو، طرف اروپایی نمی‌تواند متقاعد شود که این گفت‌وگوها بتواند یک نتیجه عینی را به همراه داشته باشد. این مسئله اصلی و اولین مانع است. مسئله بعدی بحث اعتراضات در ایران و پیامدهای آن برای اروپاست و چیزی که اروپا فارغ از جنبه‌های مربوط به حقوق بشر در بحث امنیت داخلی خودش با آن مواجه است به دو شکل بروز پیدا کرده است؛ یکی مسئله زندانیان دوتابعیتی است که در جریان این اعتراضات به ایران سفر

کردند و در این سفر بازداشت شدند و دوم نیز بحث اقدامات اطلاعاتی است که در خاک کشورهای اروپایی علیه مخالفین به ایران نسبت داده می‌شود.

در کنار این موارد، مسئله بحران در منطقه خاورمیانه و آنچه سیاست اروپا در قبال این تحول شکل داده موضوع حمایت این کشورها از اسرائیل است که در این شرایط با توجه به اینکه احتمال درگیری و حتی یک جنگ گسترده در منطقه که یک طرف آن ایران و طرف دیگر اسرائیل باشد، در حال افزایش است، این هم یک محدودیت جدیدی را برای سیاستگذاران اروپایی ایجاد می‌کند تا بخواهند وارد یک روند دیپلماتیک جدی با ایران شوند.

در این شرایط، بحث هسته‌ای نیز وجود دارد که با توجه به گفتمان جدیدی که در ایران در خصوص احتمال و یا حتی ضرورت بازنگری در دکترین هسته‌ای شکل گرفته است، حرکت به سمت بازدارندگی هسته‌ای نیز به نگرانی جدی برای اروپا تبدیل شده است. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل افزود: «موضوع تاریخ اکتبر ۲۰۲۵ نیز یکی از دلایلی است که بدبینی را در طرف مقابل افزایش می‌دهد، از این نظر که احتمال می‌دهند شاید ابراز تمایل تهران برای گفت‌وگو صرفاً یک تاکتیک برای خرید زمان و عبور از این تاریخ باشد و بعد رویه پیشین خود را پیش بگیرد.»

عزیزی در خصوص سناریوهای پیش روی ایران و اروپا نیز گفت: «معتقدم، همه این موارد به معنای آن نیست که هیچ راهی برای آغاز تعامل وجود ندارد، اما این موضوعات سطح کم‌سابقه اگر نگوییم بی‌سابقه‌ای از بدبینی را در طرف اروپایی به وجود آورده که به نوعی باعث حرکت محتاطانه در این مسیر می‌شود. این‌ها موانع زیربنایی در مقابل آغاز هرگونه روند معنادار دیپلماتیک با ایران است.»

اساساً امروز دو رویکرد در قبال ایران در اروپا شکل گرفته است؛ یک دیدگاه معتقد است که دستکم این شرایط روی کار آمدن دولت جدید در ایران را مورد ارزیابی قرار دهیم و یکسری از مسائل و مشکلات را حل کنیم اما در مقابل نیز دیدگاهی وجود دارد که معتقد است گفت‌وگو با ایران به نتیجه نخواهد رسید و دلایل خود را نیز مطرح می‌کنند و برای مثال به همان موضوع انکار اولیه در خصوص ارسال پهپاد استناد می‌کنند و از اینجا نتیجه می‌گیرند فارغ از اینکه دولت ایران چه می‌گوید، به این علت که تصمیمات در خصوص همکاری نظامی با روسیه در نهاد دیگری جز دولت صورت می‌گیرد اساساً گفت‌وگو با دولت فایده‌ای ندارد و در این زمینه حتی موضوع هواپیمای اوکراینی مطرح می‌شود که وزیر خارجه وقت ایران تا دو، سه روز اطلاعی از دلایل سرنگونی هواپیما نداشت و به نوع دیگری در خصوص موضوع صحبت می‌کرد.

اینجا باید تاکید کنم که طیف نخست نیز خیلی محتاطانه‌تر از گذشته به موضوع نگاه می‌کند و باید بگوییم اساساً امروز گروهی در اروپا وجود ندارد که فعالانه خواستار احیای تعامل با ایران باشد. در این شرایط طبیعتاً آغاز هر روند دیپلماتیکی بسیار دشوار خواهد بود و تلاش بیشتری از جانب ایران نیاز است تا نشان دهد عزم جدی برای این موضوع وجود دارد و همچنین اختیار و فضای عملی کافی در اختیار دولت قرار گرفته است و رویکرد افزایش و کاهش سطح تنش دیگر پاسخگوی فضای کنونی نیست.

در شرایط فعلی تنها راه، حرکت قدم به قدم و احیای اعتماد از دست رفته طرفین، می‌تواند راهگشا باشد و همانطور که می‌دانیم کانال‌های ارتباطی میان ایران و اروپا هیچ‌گاه قطع نبوده و می‌توان از این ظرفیت‌ها برای اطمینان‌سازی قدم به قدم و ایجاد مبنایی برای ورود به تعامل دیپلماتیک معنادار استفاده کرد چراکه در سه سال گذشته اساساً مبنای تعامل ایران و اروپا، از منظر طرف اروپایی زیر سوال رفته است و این وضعیت دشواری را ایجاد کرده که در شرایط افزایش تنش در منطقه که ایران نیز منافع و امنیت خود را در تهدید می‌بیند، حرکت به سمت اعتمادسازی مسیر سختی است اما راه دیگری شاید وجود نداشته باشد.

از نگاه جمهوری اسلامی ایران

در نقطه مقابل این روابط تنش‌آلود، یک روایت دیگر نیز وجود دارد و آن روایت جمهوری اسلامی ایران به روایت سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه است که می‌گوید: «اروپایی‌ها اگر در موضوع اوکراین نگرانی دارند می‌توانند با ما گفت‌وگو کنند. اروپا نمی‌تواند از ما توقع داشته باشد که نگرانی‌های امنیتی آن‌ها را به‌طور یکجانبه درک کنیم. اگر آن‌ها نگرانی دارند ماهم نگرانی داریم. ما هم در حوزه تحریم‌ها، مسائل اقتصادی و امنیتی نگرانی داریم.»

حمایت‌های شائبه‌دار سیاستمداران اروپایی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، اعمال تحریم‌های متعدد علیه تهران و تلاش برای قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی، از جمله اقداماتی است که به بهانه ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در ایران صورت گرفت. کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه همچنین در مقابله نظامی آشکار با جمهوری اسلامی ایران، پدافندهای خود را علیه پهپادها و موشک‌های ایرانی در عملیات وعده صادق اسرائیل فعال کرده و تعدادی از این پرتابه‌ها را منهدم کردند. سردار اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه در این رابطه گفت: «ناتو و غرب برای مقابله با عملیات وعده صادق همه امکانات خود را به کار گرفتند.»

وزیر امور خارجه در نخستین گفت‌وگوی تلفنی خود با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به وی یادآور شده است که «جمهوری اسلامی ایران از توسعه مناسبات با اتحادیه اروپا در فضای مبتنی بر احترام متقابل استقبال می‌کند و لازمه آن گفت‌وگو برای حل مشکلات فی‌مابین و رفع سیاست‌های نادرست کشورهای اروپایی می‌باشد.»

عراقچی پیش‌تر نیز در برنامه وزارت خود که آن را به مجلس ارائه کرد، ذیل سرفصل «ماموریت‌ها» از «تعامل عزتمندانه، کارکردگرا و فرصت‌محور با اروپا از موضع برابر و بر مبنای احترام متقابل» سخن گفت. وزیر امور خارجه پس از کسب رای اعتماد از مجلس، در نخستین مصاحبه خود در قامت وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با کیودوی ژاپن گفت: «وزارت امور خارجه ایران در دوره جدید وارد عمل خواهد شد تا تنش‌ها با واشنگتن را مدیریت کرده، روابط با کشورهای اروپایی را بازسازی نماید؛ البته تنها در صورتی که آنها دست از رویکرد خصمانه خود بردارند. وزیر امور خارجه همچنین در سخنانی تاکید کرد که «کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر فرازو نشیب زیادی داشته‌اند. روابط ما با آن‌ها و سیاست‌های نادرست و بعضاً خصمانه‌ای که درباره جمهوری اسلامی اتخاذ کردند، ما با این‌ها یک تعامل عزتمندانه خواهیم داشت و فرصت‌محور براساس احترام متقابل و از موضع برابر و همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند اگر این سیاست‌های نادرست و سیاست‌های غلط و خصمانه خودشان را کنار بگذارند برمی‌گردند و دوباره در اولویت‌های ما قرار خواهند گرفت.»

اوکراین اولویت اروپا است



ساسان کریمی، مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در خصوص دغدغه‌های متقابل ایران در قبال E۳ به هم‌میهن گفت: «واقعیت این است که اروپایی‌ها چه از مسیر اتحادیه و چه از مسیر سه کشور به آغاز نوعی مذاکره محتوایی بی‌تمایل نیستند. با این حال مسئله مهم این است که به طور تاریخی باید توجه کرد که اروپایی‌ها به صورت سنتی جهان را تا حد زیادی از دریچه خود می‌بینند و نمی‌توانند و گاهی نمی‌خواهند اولویت‌های طرف مقابل را در نظر آورند. در حال حاضر به نظر می‌رسد اولویت نخست اروپایی‌ها مسئله اوکراین است که بیش از هر چیز برای افکار عمومی‌شان حساسیت برانگیز شده است.

قسمت دشوار موضوع البته این است که بتوان این نقطه را تا حد ممکن به درک مشترک نزدیک کرد. درک مشترک یعنی هم‌زمان هر دو طرف بتوانند اولویت خود را مطرح و طی مذاکره پیگیری کنند. قرار نیست ما صرفاً برای رفع نگرانی طرف مقابل مذاکره نماییم. بلکه اروپا هم باید در سوی دیگر این گفت‌وگو خود را همراه برای شنیدن دغدغه‌های ایران و برداشتن گام‌های عملیاتی برای رفع آنها نشان دهد. صرفاً در این صورت است که می‌توان یک مذاکره را به طور موفق و پایدار متصور بود. احتمالاً گفت‌وگوهایی در حاشیه جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم به عنوان نوعی مقدمه رخ خواهد داد که البته به واسطه کمبود وقت و مجال چندان نمی‌تواند محتوایی باشد.

این تحلیلگر سیاست خارجی در پاسخ به این سوال که آیا این تنها ایران است که باید نسبت به فوریت موضوع گفت‌وگو با توجه به تاریخ اکتبر ۲۰۲۵ واقف باشد، گفت: «مسئله اسنپ‌بک، یک نطقه حساس در روابط ایران و اروپا شده است چراکه این مورد، موضوع اصلی باقیمانده میان طرف‌های باقیمانده اصلی در برجام است. از یک سو اروپایی‌ها به صفت سه کشور آلمان، بریتانیا و فرانسه نمی‌خواهند این ابزار را از دست دهند یا به چشم خویش ببینند که مستهلک شده و از میان می‌رود. از سوی دیگر استفاده از آن قهراً مسائل فیما بین با ایران را تا حد بسیار قابل توجهی بحرانی‌تر می‌کند.

ضمن آنکه در شرایط کنونی امکان حفظ این اهرم در شرایط فعلی هم وجود ندارد، یعنی نمی‌توانند کاری کنند که این اهرم بدون آنکه از بین رود یا استفاده شود باقی بماند. ایران هم به طور منطقی نسبت به موضوع غروب برجام در اکتبر ۲۰۲۵ بسیار متوجه است چراکه با فرا رسیدن این تاریخ قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت ملل متحد برای

همیشه و بدون قید و شرط و همچنین امکان اسنپ‌بک از بین می‌رود. ضمن آنکه این موضوع در حال حاضر مسلم به نظر می‌رسد که تصویب مجدد چنین قطعنامه‌هایی با توجه به شکاف میان روسیه و غرب که بسیار تعمیق شده است، غیرقابل تصور است.

بنابراین ایران می‌بایست تمام تلاش و همت خود را برای رسیدن بی‌حاشیه به آن تاریخ به کار بگیرد. بخشی از این بازی در روابط بین‌الملل معروف به Chicken game است که در آن کسی بازنده است که زودتر نگران شود. در عین حال حتی نمی‌توان به این تحلیل هم اکتفا و اتکا کرد، چراکه ممکن است این بازی با ریسک بالا منافع کشور را به طور اساسی به خطر اندازد. محافظه‌کاری دیپلماتیک و تهور سیاسی در چنین نقطه‌ای جمع اضداد به نظر رسیده و کار انتخاب و تصمیم‌گیری را برای سیاستمداران به دشوارترین حد می‌رساند و بیش از هر چیز موقعیت و روحیات شخصی در انتخابی چنین مؤثر می‌افتد.